

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی در جمله‌های فارسی

جلال رحیمیان

دانشگاه شیراز

چکیده

واکنش سخنگویان زبان در برابر جملات وجهی با عکس‌العمل آنها در مقابل جمله‌های غیروجهی متفاوت است. از مهمترین و معمولترین راههای بیان جمله‌های وجهی استفاده از عناصر وجهی از قبیل افعال وجهی، قیود جمله، و دسته مشخصی از افعال واژگانی است. از اهداف این تحقیق، تحلیل و تبیین نقشها، انواع و درجات مفهوم وجهیت در فارسی امروز است. این پژوهش همچنین تمایز مطلوبی را میان جنبه‌های صوری و معنایی مقوله وجهیت در فارسی ایجاد می‌کند.

پژوهش حاضر برای نخستین مرتبه، نشان می‌دهد که فعل **خواستن** علاوه بر نقشی که در ساخت‌های زمان آینده ایفا می‌کند، وسیله مناسبی برای بیان درجه قوی وجهیت است، به گونه‌ای که به تنهایی متضمن وقوع رخداد می‌شود، و این مهم از دید تمامی پژوهش‌های پیشین پنهان مانده است. بنابراین براحتی می‌توان ادعا کرد که زبان فارسی از هر سه درجه ضعیف، متوسط و قوی وجهیت بهره‌مند است. در باب انواع وجهیت نیز باید گفت که با توجه به شواهد و مصادیق کشف و استخراج شده از روزنامه‌های فارسی زبان، هر سه نوع وجهیت، که عبارتند از وجهیت **معرفتی**، **پویا** و **الزامی**، در فارسی امروز بطور عادی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: افعال وجهی، عنصر وجهی، جمله‌های وجهی، نوع وجهیت، درجه وجهیت.

۱. مقدمه

وجهیت از پیچیده‌ترین مفاهیم نحو فارسی است که در پژوهش‌های دستوری، آن‌گونه که باید مورد مذاقه علمی-تحقیقی قرار نگرفته است، به‌طوری‌که در آثار سنتی تنها به ذکر مختصر و فهرست‌وار، اگر نگوییم ناقص، از چند فعل تحت عنوان افعال کمکی / وجهی فارسی بسنده شده است [رک. شریعت (۱۳۶۴)، گیوی و انوری (۱۳۷۰)، و خانلری (۱۳۷۰)]. اخلاقی (۱۳۸۶) نیز با توجه به سه واژه «باید»، «شدن» و «توانستن»، جنبه‌های مهمی از وجهیت را مورد بررسی قرار داده است، اما از دیگر ابزار بیان وجهیت سخنی به‌میان نیاورده است. به‌رحال، بسیاری از دیگر پژوهش‌ها، از جمله باطنی (۱۳۴۸)، ویندفور^۱ (۱۹۷۹)، فرخ‌پی (۱۹۷۹)، شفاهی (۱۳۶۳)، لازار^۲ (۱۹۹۲)، غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴)، ماهوتیان (۱۹۹۷)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹)، و ابومحبوب (۱۳۸۳) نشان می‌دهند که مبحث وجهیت بررسی‌های بیشتری را می‌طلبد. تحقیق حاضر بر آنست تا با نگرشی نو ناگفته‌هایی را در باب عنصر وجهیت در فارسی مطرح نماید، به‌ویژه این‌که نقش بسیار مهم یکی از عناصر وجهی به‌نام **خواستن** تا به حال مورد غفلت قرار گرفته است. تاکنون **خواستن** بیشتر به‌عنوان فعل کمکی در ساخت‌های آینده شناخته شده است، اما آن‌گونه که طی این تحقیق خواهیم دید، نقش این فعل در ساخت‌های وجهی بسیار کانونی و حساس است. پژوهش حاضر علاوه بر تحلیل و تبیین موضوع فوق، تلاش خواهد داشت تا به‌عنوان بخشی از کار خود پاسخ‌های مناسبی برای پرسش‌های زیر در باب وجهیت در فارسی بیابد:

۱. مفهوم جهان‌شمول وجهیت چیست؟
۲. عناصر وجهی فارسی کدامند؟
۳. صورت‌ها و کارکردهای عناصر وجهی فارسی کدامند؟
۴. منظور از نوع و درجه وجهیت چیست؟
۵. عناصر وجهی غیرفعلی کدامند؟

۲. داده‌های تحقیق و شیوه جمع‌آوری

داده‌های مورد نیاز، بنابه ماهیت پژوهش، عمدتاً از صورت‌های زبانی حاوی عناصر وجهی تشکیل می‌شوند. داده‌های مزبور، تا حد امکان، از روزنامه‌های فارسی گردآوری شده‌اند. در مواردی که دسترسی به داده‌ها و شواهد امکان‌پذیر نبوده است، مثلاً گاهی جمله‌هایی مورد نیاز بوده‌اند که تنها در داشتن و نداشتن وجهیت با هم متفاوت باشند. ولی یافتن چنین صورت‌هایی در

1. G. L. Windfuhr

2. G. Lazard

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

روزنامه‌ها میسر نشده است. در چنین مواردی، جمله حاوی وجهیت را از رسانه‌هاگفتاری استخراج کرده‌ایم و جمله خالی از وجهیت منطبق بر آن را، با استفاده از شم زبانی خود و (مشورت با دیگر سخنگویان زبان فارسی) ساخته‌ایم.

۳. پیشینه تحقیق

وجهیت و نقش‌های آن در جمله‌های وجهی^۱، علیرغم اهمیت بسیار زیاد، پیشینه تحقیقی نسبتاً ضعیفی در فارسی دارد. به‌دیگرسخن، اهمیت وجهیت و پیشینه پژوهشی آن تطابق مطلوبی باهم ندارند. برخلاف فارسی، مطالعات مربوط به وجهیت و جمله‌های وجهی در زبان انگلیسی، از اهمیت خاصی برخوردارند، و پژوهش‌های بسیار علمی و عمیقی در این زمینه به‌ثبت رسیده‌اند. از مهم‌ترین چهره‌هایی که به بحث در زمینه وجهیت و جمله‌های وجهی پرداخته‌اند، می‌توان از پالم^۲ (۱۹۸۶، ۱۹۹۰، ۱۹۹۴، ۲۰۰۴)، هادلستون^۳ (۱۹۸۸، ۱۹۹۳)، نویس^۴ (۲۰۰۱)، هادلستون و پلوم^۵ (۲۰۰۲)، یاد کرد. در این‌جا بنابه اقتضای تحقیق، نگاهی گذرا به بعضی از این آثار خواهیم داشت.

پالم^۲ (۱۹۹۰)، در پژوهشی معنامدار روی افعال وجهی انگلیسی، و نقش آن‌ها در مکالمات روزمره، تمایزی دوگانه و بنیادین میان آن‌ها ایجاد می‌کند که عبارتند از انواع وجهیت و درجات آن. وی با تلفیق این دو دسته از ویژگی‌ها به ۹ صورت عملی از کاربرد افعال وجهی در انگلیسی دست می‌یابد و جزئیات هرکدام را به‌طور مبسوط مورد بررسی قرار می‌دهد.

پالم^۲ (۲۰۰۴) طی پژوهشی به بررسی وجهیت در سایه مفاهیمی چون زمان دستوری^۶، وجه^۷ و نمود^۸ می‌پردازد. وی نقش وجهیت را بسیار اساسی و متمایز از سه مفهوم اخیر می‌داند. نگاه پالم^۲ به مفهوم وجهیت در این‌جا تفاوت‌های عمده‌ای نسبت به پژوهش‌های قبلی وی در باب وجهیت دارد. در این‌جا، وجهیت را به دو بخش موضوعی و رخدادی^۹ تقسیم می‌کند. هرکدام از این دونوع، خود تقسیمات و جزئیاتی دارند که شرح آن‌ها در این مقاله ضروری نمی‌نماید. طی این تحقیق از این دو اثر به‌عنوان چارچوبی نظری استفاده خواهد شد.

رحیمیان (۱۹۹۵) از زاویه‌ای تطبیقی، به بررسی جنبه‌ای معنایی از افعال وجهی در فارسی و انگلیسی می‌پردازد. وی در پایان به این نتیجه می‌رسد که در زبان فارسی تنها دو درجه

-
1. modalized sentences
 2. F. R. Palmer
 3. R. D. Huddleston
 4. J. Nuyts
 5. G. K. Pullum
 6. tense
 7. mood
 8. aspect
 9. propositional modality and event modality

متوسط و ضعیف دیده می‌شوند، برخلاف انگلیسی، که سه درجه قوی، متوسط و ضعیف از وجهیت در قلمروی جمله‌های وجهی مطرح است. وی علت عدم وجود درجه قوی در افعال وجهی فارسی را در عدم ظرفیت باید در تضمین وقوع رخداد می‌داند. به هر حال، او هیچ اشاره‌ای به فعل خواستن به عنوان فعل وجهی ندارد. اما، آن‌طور که طی این تحقیق خواهیم دید، فعل مزبور در بسیاری از ساخت‌های وجهی در نقش وجهیت ظاهر می‌شود، و در این حالت متضمن وقوع رخداد خواهد بود. رحیمیان (۱۳۷۸ و ۱۳۸۰) همچنین به جنبه‌های صوری و معنایی «وجه» نگاهی دارد که ارتباط مفیدی به بحث حاضر خواهد داشت.

۴. مفهوم جهان‌شمول وجهیت

بسیاری از مفاهیم و پدیده‌های زبانی فراگیرند و به زبان خاصی تعلق ندارند. مصادیق آن‌ها را می‌توان تقریباً در تمامی زبان‌های طبیعی مشاهده کرد. سخن‌گویان گاهی نظر خود را، در ارتباط با رخدادها، چنان با قطعیت بیان می‌کنند که مخاطب، تحقق آن‌ها را مسلم می‌پندارد. برای مثال، خواننده از جمله (۱. الف) چنین برداشت می‌کند که اقدامات ویژه‌ای از سوی آمریکا، بی‌هیچ قید و شرطی تحقق یافته است:

(۱) الف: آمریکایی‌ها ... اقدامات ویژه‌ای در عراق انجام داده‌اند (کیهان، ۸۵/۲/۳۱: ۱۲).

برعکس، گوینده گاهی جمله را به گونه‌ای بیان می‌کند، که مخاطب نمی‌تواند از تحقق رخداد اطمینان حاصل کند. در جمله (۱. ب)، برای نمونه، وقوع رخداد، که "پاسخ کوبنده ایران" است، تحقق نیافته است، بلکه در قید آینده قرار گرفته است. جمله‌هایی از این دست را وجهی می‌نامیم:

(۱) ب: پاسخ ایران کوبنده و نفس‌گیر خواهد بود (صبح صادق، ۸۵/۲/۱۱: ۱).

پدیده وجهیت را می‌توان از دو جنبه متفاوت و درعین حال مرتبط صوری و معنایی مورد بررسی قرار داد. این اصطلاح از نظر مفهومی، بیان‌گر نگرش گوینده نسبت به رخدادهای احتمالی یا بالقوه در گذشته، حال یا آینده است. گوینده هر بار، بسته به شرایط، ممکن است نگرش خود را در برابر رخدادهای بالفعل یا بالقوه به گونه‌ای بیان کند که مخاطب برداشت‌هایی از قبیل: امکان، عدم امکان، احتمال، عدم احتمال، ضرورت، تضمین و یا تردید در باب تحقق رخداد داشته باشد. برای مثال، گوینده در جمله (۲) بر آن است تا ضرورت گسترده کردن واحد

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

تحقیقاتی را به مخاطب منتقل کند. لذا در این جا سخن نه از تحقق رخداد، بلکه از لزوم آن است:

۲) دانشگاه باید واحد تحقیقاتی را گسترده کند (همگام، ش. ۴۷، هفته دوم اردیبهشت: ۸۵).

مقوله وجهیت از نظر صوری، به هر مؤلفه صوری زبان دلالت دارد، که برای بیان یکی از مفاهیم فوق به کار برود. دو مجموعه از مقوله‌های صوری، که در عمده زبان‌های دنیا نقشی اساسی در بیان مفهوم وجهیت دارند، به افعال وجهی و قیود معروفند. تا آن جا که مفهوم و صورت وجهیت مطرح است، مصادیق متعدد این دو، در زبان‌های گوناگون مشاهده می‌شوند. به هر حال، نباید انتظار داشت که همه زبان‌ها، از جنبه استفاده از این ابزار، همواره باهم منطبق باشند. به دیگر سخن، ممکن است مثلاً برای بیان مفهوم "احتمال" در زبان (الف)، از فعل وجهی، اما در زبان (ب) از قید استفاده شود. دو بخش بعد، به تحقیق در باب ابعاد صوری و معنایی - منظوری وجهیت در فارسی اختصاص خواهد داشت.

۵. جنبه‌های صوری وجهیت در فارسی

مقوله‌های صوری، که برای بیان وجهیت در فارسی به کار می‌روند، به پنج دسته قابل تقسیم‌اند. دو مورد نخست از بسامد فراوانی برخوردارند:

الف. افعال کمکی، ب. قیود جمله، پ. زمان تقویمی، ت. افعال اصلی، و ج. ادات شرط.

الف. افعال کمکی

فعل کمکی خواستن از جمله افعالی است که در ۶ صیغه ظاهر می‌شود و نقش مهمی در بیان مفهوم وجهیت ایفا می‌کند.^۱ مثال (۳) را ملاحظه و با (۴) مقایسه نمایید:

۳) قیمت مسکن ارزان خواهد شد.

۴) قیمت مسکن ارزان شد.

در جمله (۳)، گوینده با استفاده از فعل خواستن، ارزانی مسکن را به آینده موکول می‌کند، و این یعنی استفاده از وجهیت برای اشاره به تحقق مشروط رخداد. در واقع، این جمله تنها

۱. البته کاربرد وجهی این فعل را نباید با کاربرد فعل مشابه در ساخت‌های آینده مخلوط کرد، زیرا این دونقش از هم متمایزند.

نویددهنده رخدادی است که با فراهم‌شدن شرایط در آینده رخ خواهد داد. مشروط‌بودن رخداد در (۳)، زمانی روشن‌تر می‌شود که با (۴) مقایسه شود. جمله اخیر حاکی از ارزانی بی‌قیدوشرط مسکن است، و لذا نیازی به عنصر وجهی ندارد.

سه فعل دیگر از این دسته، عبارتند از **باید**، **شدن** و **توانستن**. این سه فعل، که در بسیاری از مطالعات سنتی به فعل‌های وجهی معروفند، برای شخص و عدد صرف نمی‌شوند. **باید** و **توانستن** هیچ‌گاه افزونه شخص و شمار نمی‌پذیرند، و **شدن** همواره به صورت سوم‌شخص مفرد به کار می‌رود. بنابراین، تمامی صورت‌های ممکن این سه فعل، ۱۰ صیغه خواهد بود. شکل‌های گوناگون این افعال در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است. مثال‌های زیر را بنگرید:

(۵) ... ما در رسانه خود، **باید** مخاطبانمان را درک کنیم (کیهان، ۸۵/۲/۳۱: ۲).

(۶) با تشکیل تعاونی ... این مشکل را **می‌توان** مرتفع کرد (کیهان، ۸۵/۲/۳۱: ۳).

(۷) مسئله را **می‌شود** به راحتی حل کرد.

جدول شماره ۱.

افعال وجهی	صورت‌های ممکن
خواستن	خواه + افزونه‌های شخص و عدد
باید	باید، بایست، می‌باید، بایست
شدن	بشه، می‌شه، می‌شد، می‌شده
توانستن	می‌توان، بتوان

در جمله (۵) فعل **بایستن**، تنها نشان‌گر ضرورت درک مخاطبان از سوی گوینده است، و هنوز درکی تحقق نیافته است. در جمله (۶) گوینده با استفاده از فعل **می‌توان**، مرتفع‌کردن مشکل را امری امکان‌پذیر می‌داند. فعل **می‌شود** در جمله (۷) حاکی از آن است که مسأله هنوز حل نشده است، اما امکان حل آن وجود دارد.^۱

۱. درباب صورت‌های مضارع، ماهیت لحظه‌ای یا تداومی بودن فعل نیز اهمیت دارد. هم‌چنین، نقش عنصر وجهی در فعل‌های لحظه‌ای، پرننگ‌تر از فعل‌های تداومی به نظر می‌رسد. دو جمله زیر با فعل‌های مضارع را، که به ترتیب با فعل لحظه‌ای و تداومی به کار رفته‌اند، مقایسه نمایید:

(۱) ایران رهبری خاورمیانه را به دست می‌گیرد (کیهان، ۱۴ اردیبهشت ۸۵: ۱).

(۲) دولت جدید ... بر محور عدالت گام برمی‌دارد (همگام، ۳ بهمن ۸۴، ۱).

ب. قیود جمله

دسته دوم از عناصر وجهی، قیودی هستند که تحقق کلِ رخداد را در قید خود می‌گیرند. عادی‌ترین مصادیق این دسته را گروه‌های قیدی چون: *حتماً، شاید، احتمالاً، ضرورتاً، کاشکی (ای کاش)*، و ... تشکیل می‌دهند:

۸) *ای کاش ... سخنان رهبر... درباب تهاجم فرهنگی، جدی گرفته می‌شد (صبح صادق، ۸۵/۲/۱۱: ۱).*

۹) *... حتماً به این موضوع بیشتر توجه کنند تا متضرر نشویم (صبح صادق، ۸۵/۲/۱۱: ۱).*

پ. زمان تقویمی

زمان تقویمی رخداد، سومین عامل بیان جمله‌های وجهی است. بسیاری اوقات، صورت مضارع افعال، تنها در صورتی اطلاعات کافی به مخاطب خواهد داد، که با بافت مناسب و روشن همراه باشد. مثال (۱۰) را بنگرید و با (۱۱) مقایسه نمایید:

(۱۰) جوان هجده‌ساله شهردار شد (خبر، ۸۴/۸/۲۸: ۳۴).

(۱۱) جوان هجده‌ساله شهردار می‌شود.

جمله (۱۰) حاکی از تحقق رخدادی است که بدون هیچ قید و شرط واقع شده، و غیروجهی است. اما جمله (۱۱) نشان می‌دهد که جوان هجده‌ساله هنوز شهردار نشده است، و تحقق آن موکول به آینده است. عامل اساسی در این تعبیر، صورت مضارع فعل است. گاهی صرف صورت فعل، برای رسیدن به تعبیر صحیح کافی نیست. در این جا بافت کلام، نقش حساسی را در تحقق مشروط یا غیرمشروط رخداد ایفا می‌کند. بعضی جمله‌ها در معرض دو تعبیر قرار دارند: در یک تعبیر، جمله حاکی از رخدادی در گذشته است، و در تعبیری دیگر، تحقق رخداد موکول به آینده، و ملاک اساسی تمایز بافت کلام است:

(۱۲) مصرف سیگار، سالانه به ده‌ها میلیارد نخ می‌رسد (خبر جنوب، ۸۵/۲/۲۳: ۲).

در جمله (۱)، چون فعل جمله لحظه‌ای است، موضوع، ناظر بر آینده است و به دست‌گرفتن رهبری خاورمیانه هنوز عملی نشده و در آینده صورت خواهد پذیرفت. در حالی که جمله (۲) حاکی از حرکت کنونی دولت بر محور عدالت است، و این حرکت تداوم دارد.

جمله (۱۲)، در یک تعبیر، بیان‌گر واقعیت و رخداد مستمری است که جامعه با آن روبروست. در این حالت، کاربرد فعل از نوع تداومی است و از آمارهای موجود مصرف سیگار حکایت می‌کند. در تعبیر دیگر، جمله، بیان‌گر پیش‌بینی دست‌اندرکاران دخیانبات، مبنی بر استفاده فراوان مردم از سیگار در آینده است. در این تعبیر، فعل، ویژگی لحظه‌ای دارد و نشان‌گر افزایش مصرف سیگار تا مرز ده‌ها میلیارد است. از این رو می‌توان گفت: زمانی که مصرف سیگار به مرز ده‌ها میلیارد برسد، درحقیقت تحقق رخداد تکمیل شده است.

ت. افعال اصلی

فعل‌های اصلی فارسی، که به‌عنوان فعل بند پایه در جمله‌های پیچیده ظاهر می‌شوند به دو دسته قابل تقسیم‌اند:

الف. افعالی که دال بر تحقق رخداد در بند پیرو هستند؛

ب. افعالی که دال بر تحقق رخداد در بند پیرو نیستند.

(۱۳) ... موفق شدیم به زیارت امام رضا (ع) برویم.

(۱۴) ... تصمیم گرفتیم به زیارت امام رضا (ع) برویم (کیهان، ۸۵/۲/۳۱: ۲).

در جمله (۱۳)، فعل بند پایه (موفق شدیم)، حاکی از آنست که رفتن به زیارت، تحقق یافته است. اما در جمله (۱۴) فعل بند پایه (تصمیم گرفتیم)، هیچ دلالتی بر محقق شدن زیارت ندارد. آن‌چه به بحث حاضر مربوط می‌شود، افعال دسته دوم است، زیرا این افعال، تحقق رخداد موردنظر در بند پیرو را تضمین نمی‌کنند. افعالی از قبیل توانستن، خواستن، قول دادن، میل داشتن، آرزو کردن، نمونه‌هایی از این دست هستند. در زیر دو نمونه دیگر از این نوع افعال مشاهده می‌شوند:

(۱۵) ... سایر دانشگاه‌های کشور ... می‌توانند ... به پذیرش دانشجو در این دوره‌ها اقدام کنند.

(ایران، ۸۵/۲/۱۴: ۴).

(۱۶) از وزارت ... می‌خواهم ... نمایشگاه را در جای بهتری برگزار کنند (ایران، ۸۵/۲/۱۴: ۲۴).

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

در جمله (۱۵)، فعل بند اصلی یعنی **می‌توانند** حاکی از تحقق پذیرش دانشجو نیست بلکه به اجازه‌ای اشاره دارد که وزارتخانه برای پذیرش دانشجو به سایر دانشگاه‌ها داده است. در جمله (۱۶)، گوینده از مخاطب درخواستی دارد، که احتمالاً در آینده محقق خواهد شد.

ج. ادات شرط

دسته‌ای از ادات شرط، مانند: **به شرطی که، مشروط به این که، اگر، مگر و گویی**، نقش وجهیت را در جمله‌های وجهی ایفا می‌کنند:

(۱۷) غرب ... به ایران کمک می‌کند، **مشروط به این که** ایران غنی‌سازی را متوقف کند (کیهان، ۸۵/۲/۳۱: ۱).

بند پایه (غرب ... به ایران کمک می‌کند) را اگرچه می‌توان در دیگر بافت‌ها به‌عنوان بند آزاد و غیروجهی به‌کار برد، اما در جمله (۱۷) به جهت وجود وجهیت (مشروط به این که)، به‌صورت وجهی ظاهر شده است، و لذا بر تحقق کمک غرب به ایران دلالت ندارد.

۶. جنبه‌های معنایی وجهیت در سطحی کلی

پیش‌از این گفته شد که وجهیت از لحاظ معنایی، نشان‌گر نگرش گوینده به رخ داده‌های احتمالی یا بالقوه در گذشته، حال یا آینده است. نگرش گوینده، گاهی به امکان، زمانی به احتمال و بعضی اوقات به ضرورت تحقق رخداد منعطف است. هرکدام از این مفاهیم با ویژگی‌های خود، که از آن‌ها سخن خواهد رفت، از دیگری متمایز است و نوعی از وجهیت محسوب می‌شود. هر نوع از وجهیت نیز به‌نوبه خود دارای درجاتی است که نشان‌گر شدت یا ملایمت امکان، احتمال یا ضرورت تحقق رخداد است، که از آن به درجه وجهیت یاد می‌شود. انواع و درجات وجهیت ممکن است در زبان‌های مختلف باهم تفاوت‌هایی داشته باشند، که بحث آن در این مقاله نمی‌گنجد و خود تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد.

۷. انواع وجهیت در فارسی^۱

بررسی‌های مبسوط این تحقیق حاکی از وجود سه‌نوع وجهیت در فارسی است. نوع اول مبتنی بر استنباط و معرفتی است که گوینده از شرایط حاکم بر رخداد دارد. نوع دوم مربوط به

۱. چارچوب نظری این تحقیق، درارتباط با انواع و درجات وجهیت در سطحی کلی مبتنی بر پالمر (۲۰۰۴) است، اما تحلیل ارائه‌شده از وجهیت در فارسی، تماماً از نگارنده است.

برداشتی است که گوینده، با توجه به شرایط مقتضی محیط به آن می‌رسد. و نوع سوم، گویای الزامی است که فرد در بافت موجود نسبت به دیگران دارد. نمونه‌های زیر درک موضوع را آسان‌تر می‌سازند:

(۱۸) ... باید انگیزه و طرحی پشت سر نوشتن این نامه وجود داشته باشد (افسانه، ۸۵/۲/۲۱: ۲).

(۱۹) می‌توان با این پول، بیمارستان، ... و دانشگاه ساخت (خبر جنوب، ۸۵/۲/۲۳: ۲).

(۲۰) هزینه درج آگهی ... به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود (کیهان، ۸۵/۲/۱۴: ۱).

گوینده با استفاده از جمله (۱۸)، استنباط و استنتاج منطقی خود را، درارتباط با نوشتن نامه بیان می‌کند. در این جا، فعل کمکی **بایستن**، نقشی کلیدی برعهده دارد. این نوع وجهیت را **معرفتی**^۱ می‌نامیم. جمله (۱۹) حاکی از اقتضای جامعه، درارتباط با مصرف پولی است که در این جمله مطرح است. اساسی‌ترین نقش در بیان فوق، به‌عهده فعل وجهی **می‌توان** است. این نوع وجهیت را **پویا**^۲ می‌نامیم. فعل **خواهد** در جمله (۲۰)، ممکن است در نگاه نخست، به‌عنوان فعل کمکی آینده‌ساز تلقی شود، اما عنایتی دقیق به بافت کلام نشان می‌دهد، که گوینده پیش از صحبت راجع به اتفاقی که قرار است در آینده رخ دهد، در پی اشاره به قدرتی است که سفارش‌دهنده آگهی مناقصه به‌موجب قانون از آن بهره‌مند است. این نوع وجهیت را **الزامی**^۴ می‌نامیم.

۸. درجات وجهیت در فارسی

در بیان هر کدام از انواع وجهیت، میزان تأثیر وجهیت در بیان امکان، احتمال یا ضرورت رخداد، یکسان نیست. برای مثال، اگر صحبت از ضرورت انجام عمل است، گاهی ضرورت تحقق آن عمل زیاد، گاهی متوسط و گاهی ضعیف است. در این صورت، هربار از وجهیت متفاوتی استفاده خواهد شد. اگر هم امکان استفاده از وجهیت متفاوت وجود نداشته باشد، آن‌گاه بافت جمله بهترین وسیله ایجاد تمایز میان درجات وجهیت خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که در زبان فارسی سه درجه از وجهیت مطرح است. که به ترتیب **ضعیف**، **متوسط** و **قوی** نام‌گذاری می‌شوند. هرچه امکان، احتمال یا ضرورت تحقق رخداد به واقعیت نزدیک‌تر باشد، به‌همان میزان درجه وجهیت قوی‌تر خواهد بود. گفتنی است که همه زبان‌ها از جنبه تمایز میان درجات،

1. epistemic

۲. همان‌گونه، که پس از این شاهد خواهیم بود، افعال وجهی ممکن است بیش از یک‌نوع کاربرد داشته باشند.

3. dynamic

4. deontic

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

یک‌سان عمل نمی‌کنند. در بعضی از زبان‌ها، از جمله انگلیسی، تمایز این سه درجه کاملاً روشن است و برای هر درجه وجهیت مناسب به کار می‌رود. به نمونه‌های زیر از انگلیسی توجه کنید^۱:

- 21) a) You may come to class with delay. [Deontic possibility].
b) You must have another cup of tea. [Deontic necessity].
c) You shall have your car by tomorrow. [Deontic guarantee].

سه مثال فوق به ترتیب بیان‌گر سه درجه ضعیف، متوسط و قوی از وجهیت الزامی است. جمله (۲۱a) ممکن است از سوی استادی مطرح شود، که بنا به دلیل به دانشجویانش اجازه می‌دهد با تأخیر به کلاس بیایند. به دیگر سخن، استاد با توجه به قدرتی که دارد، دیر به کلاس آمدن دانشجویان را میسر می‌سازد. در این جا، هم ورود با تأخیر و هم ورود به موقع امکان پذیر است. لذا اصطلاحاً می‌گوییم که may نشان‌گر درجه ضعیفی از وجهیت است. اما، جمله (۲۱b) ممکن است در بافتی به کار رود که میزبان با اصرار از مهمان بخواهد که یک فنجان دیگر چای بنوشد. با توجه به بافت کلام، در این جا، امکان اجابت تقاضای میزبان از سوی مهمان بسیار بیشتر از امکان وقوع رخدادی است که در جمله قبل بیان شد. لذا در این بافت، must به درجه متوسطی از وجهیت اشاره دارد. و بالاخره، جمله (۲۱c) ممکن است در بافتی به کار رود که فروشنده اتومبیل، به خریدار اطمینان می‌دهد که خودروی درخواستی وی فردا تحویل خواهد شد. در این جا گوینده با استفاده از should، که بیان‌گر درجه‌ای قوی از وجهیت است، عمل به وعده را تضمین می‌کند.

زبان فارسی، اگرچه مانند انگلیسی، هر سه درجه وجهیت را داراست، اما به دلایل گوناگون، از جمله عدم تنوع کمی وجهیت، آن تمایزی را که میان درجات وجهیت انگلیسی می‌بینیم، نشان نمی‌دهد. از این رو، گاهی در فارسی، تنها بافت کلام، تمایز میان درجات را نشان می‌دهد. مثال‌های زیر را بنگرید:

۲۲) الف. بایستی از طرح‌هایی که جوانان مستعد ارائه می‌دهند استقبال کرد (سبحان، ۸۵/۲/۲۴: ۲).

ب. کسانی که ادعایی دارند باید سند بیاورند (سبحان، ۸۵/۲/۲۴: ۱۱).

پ. هلال احمر ... با همه سازمان‌ها و ارگان‌ها می‌بایست تعامل داشته باشد (سبحان، ۸۵/۲/۲۴: ۲).

۱. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به رحیمیان (۱۹۹۵).

در تمامی سه مورد فوق، سخن از ضرورت است، در مورد نخست، لزوم استقبال از طرح‌های جوانان گوشزد شده است. در مورد دوم، گوینده، وجوب ارائه سند از سوی مدعیان را بیان می‌کند. و در مورد سوم، رئیس وقت هلال احمر، خود را ملزم به تعامل با دیگران می‌داند. در دو مورد نخست، فعل وجهی تنها درجه ضعیف وجهیت را نشان می‌دهد، زیرا در هیچ‌کدام، نه وقوع رخداد تضمین شده و نه میزان اعتقاد گوینده به آن چه می‌گوید قطعی است. در مورد سوم نیز اگرچه گوینده خود را ملزم به تحقق رخداد می‌کند، اما این التزام نه به جهت وجود فعل وجهی، بلکه به دلیل بافت کلام و جمله‌های اطراف آن است و عزم به تعامل با دیگران را نشان می‌دهد. بنابراین باید گفت که فعل وجهی بایستن و صورت‌های مشابه، به‌طور اساسی و خارج از بافت، ظرفیت بیان درجه‌ای قوی از وجهیت را ندارند. اکنون مثال (۲۰) را، که در زیر تکرار شده، بنگرید.

(۲۳) هزینه‌ی درج آگهی ... به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود (کیهان، ۸۵/۲/۱۴: ۱).

در این جا پرداخت هزینه آگهی، به‌عنوان موضوعی اجباری، به‌عهده برنده مناقصه گذاشته شده است. از این رو بیان‌گر درجه قوی وجهیت است. تعیین مصادیق درجه متوسط نیز تا حد زیادی به بافت کلام بستگی دارد، هر چند جمله با فعل وجهی همراه شده باشد:

(۲۴) ناجا نباید به‌بهانه طرح مجلس دیش‌های ماهواره را جمع‌آوری کند (خبر، ۸۵/۲/۲۵: ۲).

جمله فوق از زبان یکی از نماینده‌های مجلس شورای اسلامی نقل شده است. در این جمله، صورت منفی فعل باید، بیش از این که نشان‌گر درجه وجهیت باشد، بیان‌گر نوع آن است، که الزامی است. اما عواملی از قبیل گوینده جمله، فحوای کلام و بافت مربوط، حاکی از درجه متوسط وجهیت هستند. در این جمله، درجه وجهیت، قوی نیست، زیرا نماینده مزبور جمله فوق را به‌نماینده‌گی از کل مجلس بیان نمی‌کند، و به‌تنهایی نیز قادر نیست مانع از اقدام نیروی ناجا شود. از طرفی، این درجه، ضعیف هم نیست، زیرا به‌رحال کلام نماینده مجلس با یک فرد عادی تفاوت زیادی دارد، و از این رو مصداق مناسبی از درجه متوسط وجهیت است. واژه‌هایی چون احتمالاً نیز، به‌اعتبار ویژگی‌های معنایی خود می‌توانند برای بیان درجه متوسط وجهیت به کار روند. این ادعا را می‌توان با این توجیه همراه کرد، که اگر واژه‌های واقع،

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

حتمی، محتمل، ممکن، بعید، و غیرواقع، روی یک طیف فرضی قرار گیرند، آن‌گاه خواهیم دید که مفهوم احتمال به واقعیت نزدیک‌تر است تا مفهوم امکان^۱:

حتمی، احتمالی، ممکن، بعید

واقع ----- غیرواقع

۲۵) شواهد علمی ... نشان می‌دهند که احتمالاً تغییرات جوی ... نقش کلیدی را در انقراض ... ماموتها ... داشته‌اند (خبر جنوب، ۸۵/۲/۲۵: ۶).

نویسنده، در جمله بالا، برداشت منطقی خود را نسبت به رخدادی که در گذشته روی داده بیان می‌کند، که واقعیت آن هم محرز نیست. از آن‌رو که تأیید مطلب با قاطعیت صورت نمی‌گیرد، باید گفت که از نوع قوی نیست. از طرفی، چون ادعا مبتنی بر شواهد علمی است، درجه آن ضعیف نیز نخواهد بود. لذا به‌ناچار از نوع متوسط است.

۹. ابزار بیان انواع و درجات وجهیت

با توجه به سه نوع و سه درجه از وجهیت در فارسی، شمار گزینه‌های مختلف، ۹ خواهد بود، که بیان هر کدام ابزار و بافت ویژه خود را می‌طلبد. به‌رحال دو نکته را باید مدنظر داشت. نخست این‌که یک فعل وجهی ممکن است وسیله بیان بیش از یک نوع و درجه از وجهیت واقع شود. دوم این‌که، گاهی ابزار بیان بعضی از انواع و درجات وجهیت، از یکی بیشتر است. تحقیقات نشان می‌دهند که افعالی چون بایستن، شدن، توانستن و خواستن بیشترین نقش را در بیان مفهوم وجهیت به‌عهده دارند. با این وجود، این چهار عنصر به‌تنهایی پاسخگوی تمامی ۹ مورد فوق نخواهند بود، و گاهی باید از دیگر ابزار استفاده کرد. در این آخرین بخش از تحقیق، برآنیم تا به بررسی ابزار بیان ترکیبات سه‌گانه انواع و درجات وجهیت در فارسی بپردازیم:

۱. دلیل این‌که مفهوم «احتمال» به واقعیت نزدیک‌تر است تا مفهوم «امکان»، این است که امری «محتمل» است که شرایط وقوعش به‌راحتی و با توجه به شرایط فراهم است. اما امری شاید ممکن باشد اما شرایط وقوعش بعید باشد. مثلاً امکان دارد که رئیس جمهور امروز برای تماشای فیلمی به سینما برود، اما با توجه به مشغله‌هایش محتمل نیست.

۱.۹. وجهیت معرفتی

هرچهار فعل **خواستن**، **باید**، **شدن**، و **توانستن** را می‌توان برای انتقال مفهوم وجهیت معرفتی به کار گرفت که درجات کاربرد آن‌ها ممکن است نسبت به یکدیگر متفاوت باشند.

۲۶ الف. با برخوردی که با مهدی کردی، دلگیر **خواهد** شد.

ب. با این ویژگی‌هایی که می‌گویی برادرت **باید** آدم شوخی باشد.

پ. نظرات رئیس نشان می‌دهد که **می‌توان** با او کنار آمد.

ت. فروشنده آدم خوبی، **میشه** کفشُ پس داد.

در جمله (۲۶ الف)، گوینده با استفاده از واژه **خواهد**، نتیجه منطقی برخورد نامناسب با مهدی را پیش‌بینی می‌کند. فعل **خواهد** با توجه به ویژگی‌های معنایی مترتب بر آن، حاکی از اطمینانی است که گوینده نسبت به پیش‌بینی خود در باب عکس‌العمل مهدی دارد، و این حاکی از درجه قوی **خواستن** در این بافت است. هرگاه درجه وجهیت قوی باشد، به‌بیانی فنی گفته می‌شود که فعل وجهی متضمن تحقق رخداد است. "**خواستن**" بارزترین مصداق این فقره است. در جمله (۲۶ ب)، گوینده، با توجه به مشخصاتی که مخاطب از برادرش ذکر کرده است، به‌طور منطقی به این نتیجه رسیده که برادر وی فرد شوخ‌طبعی است. اما به‌رحال، این برداشت ممکن است تحت شرایطی و به‌دلیل واقعیت نداشته باشد، و بنابراین درجه احتمال صحت برداشت گوینده تا حد متوسط کاهش یابد. استدلال دیگری که این نظر را مورد تأیید قرار خواهد داد، این است که گوینده جمله (۲۶ ب) می‌تواند بلافاصله در انتهای جمله، عبارت "**شاید هم نباشد**" را بیافزاید. نظر گوینده در جمله (۲۶ پ) چنین است که کنار آمدن با رئیس، امر امکان‌پذیری است، درعین حال نه‌تنها یقین و اطمینانی نسبت به تحقق رخداد ندارد، بلکه تنها تصور و گمان خود را بیان می‌کند. از این‌رو فعل **می‌توان** بیان‌گر درجه ضعیفی از برداشت معرفتی است. فعل **می‌شه** در (۲۶ ت)، نیز به‌شکل مشابهی با (۲۶ پ) نشان‌گر درجه ضعیفی از برداشت معرفتی است، زیرا گوینده صرفاً به‌تصور این که فروشنده آدم خوبیست، پس‌دادن کفش را غیرممکن نمی‌داند.

۲.۹. وجهیت پویا

مثال‌های زیر و بافت مربوط، ما را به نتایج جالبی رهنمون می‌شوند. پیش‌بینی بی‌تردید گوینده در (۲۷ الف) این است که سهمیه‌بندی بنزین برابر است با بیکاری بسیاری از مسافرخش‌ها و لذا، در این جا کاربرد **خواستن** قوی است. نمونه (۲۷ ب)، و ده‌ها مثال دیگر، حاکی از آن است

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

که درجه پویایی فعل **باید** اگرچه به قدرت **خواستن** نیست، اما از متوسط بالاتر است، تاحدی که می‌توان آن را به‌نوعی قوی دانست. لذا ما این فعل را در ردیف **قوی**، اما زیردست **خواستن** قرار می‌دهیم. در (۲۷ پ، ت) درجه وجهیت در حد متوسط است، زیرا امکان وقوع رخداد در هر دو مورد چندان ضعیف هم نیست. مثلاً در (۲۷ پ)، شرایط کاری طوری است که امکان استراحت فراهم است، هرچند تضمینی برای تحقق آن وجود ندارد، و همین عدم تضمین، درجه را از حد قوی به متوسط نزول می‌دهد، اما بسیار بعید است که به ضعیف تنزل یابد. استدلالی کمابیش مشابه برای (۲۷ ت) نیز متصور است، لذا باید آن‌ها را با درجه متوسط تلقی کرد.

- ۲۷ الف. سهمیه‌بندی بنزین، بسیاری از مسافرخش‌ها را به بیکاری خواهد کشاند.
ب. با این شرایط باید دنبال یک مستخدم دیگری باشیم.
پ. با توجه به سبکی کار می‌توان چندروزی به استراحت پرداخت.
ت. این روزها یک آپارتمان مجهز و مدرن را می‌شه با ۸۰ میلیون تومان خرید.

فارسی‌زبانان برای بیان کاربرد ضعیف وجهیت از عناصر قیدی چون **شاید** یا ترکیبات فعلی از قبیل **بعید است** استفاده می‌کنند. برای مثال، جمله زیر ممکن است در بافتی به کار رود که تصویب اعتبار غیرمحمتمل و بعید باشد. از همین روست که گوینده تردید و شک خود را در باب تکمیل خوابگاه، با استفاده از واژه **شاید** بیان می‌کند:

۲۸ در صورت تصویب اعتبار لازم، **شاید** ساخت خوابگاه‌ها تا پایان امسال تکمیل شود.

۳.۹. وجهیت الزامی

در برخی از بافت‌ها، الزام یا اجبار در تحقق رخداد وجود دارد، به این معنا که فرد به‌موجب اختیارات خود، مَصَر بر تحقق خواسته‌هایش است. هر چهار فعل وجهی چنین کاربردی دارند. جمله (۲۹ الف) ممکن است در بافتی به کار رود که استاد حق دارد بنابه اختیارات آموزشی و به‌دلیل کم‌کوشی، دانشجویان را از نمره قبولی محروم سازد. وجود **خواهد** در چنین جمله‌هایی وقوع رخداد را حتمی نشان می‌دهد، و این یعنی درجه قوی وجهیت. هرگاه فعل وجهی به تحقق حتمی رخداد اشاره داشته باشد، به‌بیانی فنی می‌گوییم که آن فعل وجهی **متضمن تحقق رخداد**^۱ است. جمله (۲۹ ب) ممکن است در بافتی به کار رود، که ضرورت تحویل

1. the verb entails the proposition

گزارش محرز است، اما به‌هرحال آن گزارش آماده نیست. در این جا فعل وجهی، اگرچه از نظر درجه قوی است، اما از آن‌جاکه متضمن تحقق رخداد نیست، از **خواستن** ضعیف‌تر است. در (۲۹ پ)، هیأت رئیسه این اختیار را دارد که جریمه را ببخشد، اما از آن‌جاکه هیچ تضمینی به تحقق این امر وجود ندارد، باید درجه فعل وجهی را از نوع ضعیف به حساب آورد. جمله (۲۹ ت) حاکی از قدرت طلبکار در صدور اجازه بازپرداخت بدهی به صورت اقساط است. اما به‌هرحال بازهم تضمینی نیست که این امر محقق شود، و لذا باید درجه فعل وجهی را ضعیف محسوب کرد. به‌هرحال، امکان تحقق این امر از رخداد مطرح در (۲۹ پ) قوی‌تر است، و از این رو باید درجه آن را به ضعیفی (۲۹ پ) ندانست.

- ۲۹ الف. دانشجویانی که پژوهش قابل قبولی نداشته باشند مردود اعلام خواهند شد.
 ب. گزارش را باید امروز تحویل بدهم، ولی آماده نیست.
 پ. می‌شود هیأت رئیسه جریمه را به تو ببخشد.
 ت. می‌توان بدهی را به اقساط پرداخت.

آن‌چه در ارتباط با ابزار بیان نوع و درجه وجهیت در دو بخش اخیر بحث شد، به‌طور خلاصه در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۲

درجه/نوع	معرفتی	پویا	الزامی
قوی	خواستن	خواستن، باید	خواستن
متوسط	باید	توانستن، شدن	توانستن، شدن
ضعیف	توانستن، شدن	شاید، بعیدبودن	شاید، بعیدبودن

۱۰. نتیجه‌گیری

طی این تحقیق، پس از نگاهی کوتاه به مفهوم وجهیت در بافتی جهان‌شمول و عام-زبانی^۱، به بررسی وضعیت این مقوله در فارسی امروز پرداختیم. در این زمینه ضمن ایجاد تمایز میان جنبه‌های صوری و معنایی وجهیت دریافتیم که افعال وجهی، قیود جمله و دسته مشخصی از افعال واژگانی متداول‌ترین ابزار بیان مفهوم وجه در جمله‌های وجهی در فارسی هستند. از مهم‌ترین دست‌آوردهای این تحقیق، که برای نخستین مرتبه در فارسی مطرح شد، کشف یکی

1. language general level

جنبه‌های صوری و معنایی عناصر وجهی ...

از کاربردهای مهم فعل **خواستن** در قالب یک فعل وجهی بود، که همواره متضمن تحقق رخداد^۱ است. در این تحقیق هم‌چنان میان نقش **خواستن** به‌عنوان فعل کمکی ساخت‌های آینده، و فعل وجهی تمایز ایجاد شد. کشف این کاربرد جدید فعل مزبور همراه با استدلال‌های علمی و شواهد عملی، نشان داد که برخلاف بعضی از نتایج تحقیقات گذشته، زبان فارسی قابلیت بیان درجه قوی وجهیت را داراست. ویژگی‌های فعل **خواستن** در جمله‌های وجهی به‌گونه‌ای است که بی‌تردید آن‌را به‌عنوان قوی‌ترین فعل وجهی فارسی مطرح‌نظر قرار می‌دهد، زیرا در این جایگاه نقشی را ایفا می‌کند که حتا از فعل **باید** برخاسته نیست. در این تحقیق هم‌چنین برای نخستین‌بار نشان داده شد که افعال وجهی فارسی در مجموع ظرفیت انتقال هرسه درجه از وجهیت را، آن‌گونه که پالمر (۱۹۹۰ و ۲۰۰۴) مطرح می‌کند، دارند. از دیگر یافته‌های این پژوهش، تبیین تأثیرات زمان دستوری و بافت کلام در بیان مفهوم وجهیت در جمله‌های وجهی بود. درنهایت، طی این تحقیق، سه‌نوع وجهیت معرفتی، پویا و الزامی در جمله‌های فارسی تحلیل و تبیین شدند.

منابع

- ابومحبوب، احمد. (۱۳۸۳). *ساخت زبان فارسی*. تهران: میترا.
- اخلاقی، فریار. (۱۳۸۶). "بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز". *دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان*. جلد سوم، شماره پیاپی ۳، ۱۲۹-۸۲.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۴۸). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- خانلری، نائل. پرویز. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- رحیمیان، جلال. (۱۳۷۸). "وجه فعل در فارسی امروز". *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*.
- _____ (۱۳۸۰). *دستور زبان فارسی: صورت، نقش و معنا*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- شفاهی، احمد. (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات نوین.
- غلامعلی‌زاده، خسرو. (۱۳۷۴). *ساخت زبان فارسی*. تهران: احیاء کتاب.
- گیوی، احمد و حسن انوری. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.

1. entailment of the proposition

مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- Farrokhpey, M. (1979). *A Syntactic and Semantic Study of Auxiliaries and modals in Modern Persian*. Unpublished Dissertation, University of Colorado.
- Huddleston, R. D. (1988). *English Grammar. An Outline*. Cambridge: Cambridge University Press.
- _____. (1993c). "The Case against a Future Tense in English". *An Outline*. Cambridge: Cambridge University Press.
- _____. and G. K. Pullum (2002). *The Cambridge grammar of the English language*. Cambridge University Press.
- Lazard, G. (1992). *A Grammar of Contemporary Persian*. (Translation from the French version of (1957) by A. L. Shirley). New York: Mazda.
- Mahootian, S. (1997). *Persian Grammar*. London: Routledge.
- Nuyts, J. (2001). *Epistemic, language and conceptualization: A Cognitive-Pragmatic Perspective*. Amsterdam: John Benjamins.
- Palmer, F. R. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- _____. (1990). *Modality and the English Modals*. (2nd edn.). London: Longman.
- _____. (1994). *Grammatical Roles and Relations*. Cambridge: Cambridge University Press.
- _____. (2004). *Mood and Modality: Cambridge Textbooks in Linguistics*. (2nd Edition). New York: Cambridge University Press.
- Rahimian, J. (1995). *Clause Types and other Aspects of Clause Structure in Persian*. Unpublished Ph D Dissertation. Queensland: Queensland University.
- _____. (1999). "Semantics of Persian Auxiliaries". *IRAL Vol XXXVII*. 153-169.
- Windfuhr, G. L. (1979). *Persian Grammar: History and State of its Study*. New York: Mouton.